

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

محمد اسحاق برکت

ویرجینیا - ۱۹ - ۱۲ - ۲۰۰۹

بیانید پښتو بیاموزیم

دوهمه برخه

ګرڼی پښتو او لغتونه

(محاورة و لغات پښتو)

لومړی لوست

(درس اول)

در قسمت اول این سلسله (بیانید پښتو بیا موزیم) راجع به ګرامر پښتو تا جائیکه این هیچمدان میدانست معلومات داده شد تا به کهمک (کمک) آن درین مبحث (ګرڼی پښتو او لغتونه) درس محاوره، لغات و اصطلاحات معمول و مروج را آموخته و در محاوره های روزانه خویش بکار بریم.

کوشش بعمل می آید تا این مبحث را با جملات ساده و بسیط پښتو آغاز و پا پپای همدیگر به یاری و استعانت خدای بزرگ و همکاری و دستیاری پورتال معزز(افغانستان آزاد - آزاد افغانستان)، یگانه مشوق درسهای پښتو و در مجموع پرچم دار انکشاف و آموختن لسانهای مادری، خاصناً لسانهای ملی ما، این کاروان را به سر منزل مقصود برسانیم. بازهم از دانشمندان و چیز فهم های محترم زبان پښتو تمنا میشود تا در رفع کاستی ها و اشتباهاتی که اگر رخ میدهد مرا یاری و مدد رسانند.

برمیگردیم به اصل موضوع:

به این جمله بسیط توجه کنید:

اسلم :- سلیمه ! ستیری مه شي ، په خیر راغلي؟

سلیم :- په خیر اوسې او خیر یوسې!

اسلم :- **څنگه نا وخته را غلي؟**

سليم :- **په لار كي لېر شانه (شانتې) گڼه گوڼه وه.**

در جمله بالا اسلم ، سليم را مخاطب قرار داده از او ميپرسد که به خير و عافيت آمده ؟
انجا ديده ميشود که در اخير نام (سليم) ، (هـ) علاوه شده که او را (سليمه) ساخته است
اين گونه ساختمان را در پښتو (ندائيه) گویند.

در پښتو وقتی در اخير نامهای مفرد مذکر حرف (هـ) غير ملفوظی و در جمع مذکر (و) آورده
ميشود مفهوم ندا را ميرساند و علامه ندائيه (!) است مثلاً:

مفرد مذکر : - **هليگ - هليکه! ، سري - سريه ! غياث - غياثه!**

جمع مذکر : - **هلکان - هلکانو! ، سري - سريو ! با خلکو**

درنامهای مفرد مؤنث مختوم به (هـ) و تعويض (هـ) به (يـ مجهول) و در نامهای جمع با حذف
بعض حروف اخير نام و آوردن (و مجهول) فعل ندا ساخته ميشود:

زرغونه - زرغوني ! ، فاطمه - فاطمي ! نجلی - او نجلی ! بنخه - بنخي!

نجونو ! بنخو!

در سطر دوم جملات بالا اصطلاحات (**په خير اوسي و خير يوس**) به کار رفته است که:

په خير اوسي يعني به عافيت باشی ، فعل (**اوسي**) از مصدر (**اوسېدل**) يعني (بودن ، پائيدن و
زيستن) نشأت کرده و فعل امر حاضر آن : (**اوسه! و اوسي!**) . فعل (**اوسي**) که صيغه مفرد
مخاطب است اينجا نیز بحيث فعل امر آمده اما اندکی ملایم تر از امر حاضر، از اينگونه افعال امر
در پښتو بسيار است مثلاً:

يوسي (ببری) ، خوري (بخوری) ، وڅښي (بنوشي) ، لار شي (بروی) ، وگوري

(ببيني) ، راشي (بيائی، آئی) ، کښي (بنشيني) و

اصطلاح (**خير يوسي**) يعني خير ببری ، فعل (**يوسي**) انشقاق از مصدر (**وړل**) بمعنی بردن ،
با خود بردن است. فراموش نبايد کرد که فعل ديگری نیز به عين معنی اما اين مرتبه کسی يا
شخصی را با خود بردن و اين فعل عبارت است از (**بيول يا بوول**) . فعل امر آن:

بوزه ! بوزئ ! و بوزي فعل امريست که خواهش گونه اندکی پسانتر بايد عملی شود. برای بهتر
دانستن مطلب چند مثال بايد آورد:

زما کورتي کورته يو سه او زما دوسيه بيا دفتر ته يوسي چي هېر دي نه شي!

گرتي مرا خانه ببر و دوسيه ام را باز دفتر ببری که فراموش نشود!

فاطمه جومات ته بوزه او بيا وروسته سليمان بنوونخي ته بوزي چي نن آزمويڼه لري!

فاطمه را مسجد ببر و باز پسانتر سليمان را مکتب ببری که امروز امتحان دارد!

خير يوسي ! برکت يوسي ! ميلمه کور ته بوزه ! احمد روغتون ته بوزه!

گڼه گوڼه : ازدحام و بيرو بار.

هلکانو ! څه گڼه گوڼه مو دلته جوړه کړېده ، ټولگي ته لار سي!

بچه ها ، اينجا چه ازدحام کرده ايد به صنف برويد!

در جمله بالا (**گڼه گوڼه**) نامی که فعل (**جوړول**) بران ازجانب (**هلکان**) صورت گرفته
است.

چون (**گڼه گوڼه**) اسم مفعول و مؤنث است از ان جهت فعل فاعل تابع مفعول گرديده (**جوړه**
کړېده) به کار برده شده است. در قسمت دوم جمله (**ټولگي ته لارسي!**) ، چون (**ټولگی**) نام
مذکر است فعل (**لار سي!**) از ان نیز متابعت کرده تغييری در ان صورت نگرفته است.

نن د جمهوري ارگ مخي ته د خلکو سخته گڼه گوڼه وه ، له جمهور رئيس نه يي غوښتل

چي جنايتکاران بيا په خپله کابينه کي ونه نيسي.

امروز پيشروی ارگ رياست جمهوری سخت ازدحام مردم بود ، از رئيس جمهور ميخواستند که
جنايتکاران را باز در کابينه اش نگیرد.

و آخر گپ این درس اینکه : لېر شانتې یا لېر غوندي ، یک اصطلاح پښتوست مرکب از کلمات (لېر) یعنی کم و (شانتې) یعنی مثل و مانند. در دری معنی تحت اللفظی ندارد و مجموعاً (قدری ، اندکی) معنی میدهد و به این معنی و مفهوم در جمله به کار برده میشود.
گرانی ! نن لېر شانتې بنایسته بنکاری ، لکه چي سترگي دي توري کړي دي؟
عزیزم ! امروز قدری زیبا مینمائی ، مثلی که چشمهای خود را سرمه کرده ای ؟
نن هوا لېر غوندي توده ده - امروز هوا کمی گرم است.
لېر یک صفت سه شکلی : لېر - لېر (برای مفرد و جمع مذکر) لېره - لېري (مفرد و جمع مؤنث).

تا درس بعدی شما را بخدا میسپارم!